

سیاست گذاری و تنوع اجتماعی و فرهنگی در ایران

دکتر حسن نوربخش^۱

استادیار و رئیس مدرسه عالی زبان و فرهنگ ملل جامعه المصطفی (ص)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۶ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱

چکیده

تنوع اجتماعی و فرهنگی اعم از زبان، اقوام و مذاهب از ویژگی های سرزمین پهناور و تمدنی ایران اسلامی می باشد و این تنوع اجتماعی ظرفیت های بسیاری را برای توسعه، رشد و پیشرفت فراهم می نماید که لازمه آن سیاستگذاری و مدیریت صحیح این تنوع می باشد. نکته مهم اینکه می بایست در واقع سیاستگذاری تنوع در هر نظام سیاسی تابعی از ماهیت نظام سیاسی آرمانها و اصول و ارزش های مدون و غیر مدون در آن نظام می باشد. ارزش های اجتماعی اسلام و همچنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان سند بنیادین با رویکرد الگوی سیاست گذاری وحدت در کثرت ضمن پذیرش تنوعات هویتی موجود، توأمان به تقویت و استحکام همبستگی ملی نیز تاکید می ورزد. الگوی بومی مدیریت تنوع و قومی در ایران، باید با بهره گیری از تجارب مثبت و سازنده کشورها و جوامع مشابه و با توجه به تفاوت های مبادی معرفتی نظام جمهوری اسلامی با سایر نظام های سیاسی از یک سو و شناخت واقعیت های هویتی، فرهنگی و قومی ایران از سوی دیگر، طراحی گردد؛ تا ضمن پذیرش تنوعات هویتی موجود، توأمان به تقویت و استحکام همبستگی ملی نیز بینجامد.

واژگان کلیدی

سیاستگذاری، تنوع اجتماعی و فرهنگی، هویت، ایران، انسجام و همبستگی ملی.

مقدمه

مسئله تنوع و سیاستگذاری

تنوع و ناهمگونی هویتی امری رایج و اصلی نسبتاً بدیهی در اکثر جوامع کنونی است که به نحوی گریزناپذیر بر رویکردهای سیاستگذارانه نظام های سیاسی در زمینه هویت سایه می افکند. چه عواملی در ادراک سیاستگذاران در ارتباط با مدیریت تنوع هویتی جامعه تاثیر می گذارد؟ چگونه می توان گروههای مختلف هویتی را در چارچوب سیاستها و راهبردهای عمده اجتماعی با یکدیگر مؤتلف نمود؟ تا چه میزان ادراک سیاستگذاران در بروز اجماع و ائتلاف ملی یا تخالف و ستیزش هویتی تاثیرگذار می باشد؟ در جامعه ایران چگونه می توان مدیریت و سیاستگذاری موثر و کارآمدی در حوزه تنوع اتخاذ نمود؟ سیاستگذاری دربرگیرنده برنامه هایی سیاسی به منظور دست یابی به اهداف اجتماعی است. درواقع، سیاستگذاری منعکس کننده فعالیتهای حکومت و مقاصدی است که برانگیزاننده حکومت برای اقدام جهت انجام دادن یا کنار گذاشتن اموری است که مستقیماً بر زندگی شهروندان تاثیر می گذارد. (Birkland, T. 2005, P. 35) یکی از اهداف مهم سیاستگذاری عمومی حفظ همزیستی مسالمت آمیز در جامعه و ایجاد رویه هایی از طرق مسالمت آمیز و مشروع در مواجهه با تقاضاها می باشد. به رغم عدم امکان حل و فصل قطعی تفاوتها، بهترین اقدامی که می توان انتظار داشت این است که بتوان تفاوتها را به نحو موفقیت آمیزی مدیریت نموده یا اینکه آنها را به طریقی تنظیم نمود که به اندازه کافی برای همه گروهها و طرفداران آنها قابل پذیرش باشد و در نتیجه گرایش به تمایز و قطبی شدن جامعه را پیرامون شکافهای غیر قابل سازش کاهش داد. (Esman, Milton J. 2004, P. 172) در عین حال هدف کلی سیاستگذاری های هویتی، تنظیم مناسب پیوندهای هویتی در درون یک چارچوب

سیاسی به شیوه ای است که ائتلاف ملی فراگیر و پایدار شکل گرفته و تداوم یابد. باوجود این، اغلب رویکردهای متفاوتی برای رسیدن به این هدف براساس ایدئولوژی، شرایط تاریخی، رویکردهای فرهنگی و ارزش ها و طرز تلقی های تصمیم گیرندگان و مردم طراحی می شود.

"شرایط خاص فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی و از جمله پراکندگی و تنوع فرهنگی کشور ایران نیز مانند اغلب نظام های اجتماعی دیگر، نیازمند مدیریت سیاسی توانمند و کارآمدی است که از عهده حل مسایل و چالش های اصلی در این زمینه برآید." نکته بسیار مهمی که می بایست به خاطر سپرد این است که هرگز به طور کامل نمی توان شاهد اجرای الگوی واحدی از سیاستگذاری های تنوع بود و در عمل آمیزه ای از الگوهای سیاستگذاری بسته به شرایط زمانی و مکانی به اجرا گذاشته می شود. در واقع سیاستگذاری تنوع در هر نظام سیاسی تابعی از ماهیت نظام سیاسی، پایگاه اجتماعی نظام سیاسی در میان مردم، الگوها و آرمانهای سیاسی - ایدئولوژیک، قوانین مدون (به ویژه قانون اساسی) و غیر مدون و نهائیتا سیاستهای عینی - عملی به اجرا گذاشته شده است. به رغم این تنوع در سیاستگذاری های هویتی، جملگی آنها با هدف تضمین و تثبیت همبستگی و وفاق ملی تدوین و به کار بسته می شود. همبستگی ملی به عنوان هدف سیاستگذاریهای هویتی به معنای فراهم نمودن زمینه های ساختاری لازم برای احساس وحدت منافع و مسئولیت های جمعی مردمی است که برخوردار از تباری واحد، خاطرات مشترک، عناصر فرهنگی مشترک با یک سرزمین تاریخی هستند. سیاست تنوع قومی را می توان به منزله مجموعه ای از اهداف، راهبردها، رویکردها، رفتارها و اقدامات دانست که از سوی حکومت در قبال اقوام موجود در یک جامعه اتخاذ می شود. سیاستهای قومی مشتمل بر اهداف، سیاستها، مقاصد روشن و واضح در خصوص نحوه اداره، کنترل و هدایت اقوام مختلف در یک واحد سیاسی است. ادامه ی بحث سه الگوی عام تنظیم روابط گروههای هویتی که عبارتند از روش سلطه، تقسیم قدرت و ادغام

اجتماعی مورد توجه قرار خواهد گرفت. هریک از این روشها حول محور دو مولفه محوری اجبار و اجماع قابل دسته بندی اند و سازوکارهای آنها مرزهای میانه اجبار تا اجماع را شامل می شود. برآیند کلی چنین روشهایی نیز به ترتیب یکسان سازی (Assimilation) سیاست جذب اجتماعی (Social inclusion) و کثرت گرایی ائتلاف ساز (Coalition pluralism) است. (نظری و سازه مند، ۱۳۹۰، ۳۲۰)

۱- روش سلطه با هدف یکسان سازی

در این روش از طریق نادیده گرفتن تفاوتها، حذف تنوعات و به حاشه راندن تمامی علایق و منافع خرد گروههای هویتی تلاش می شود تمام ابعاد و مولفه های سطح خرد در "دیگ مذاب" کلان هویت ملی مستحیل شوند. در واقع تکنیک های یکسان سازی، فرایندهایی را دربرمی گیرد که مشتمل بر شبیه سازی ایستاری، فرهنگی- رفتاری، ساختاری و روانی است. "هدف سیاستهای همانند سازی عبارت است از ترکیب زیست شناختی، فرهنگی، اجتماعی و روانی گروههای متمایز و منفرد به منظور ایجاد یک جامعه عاری از تفاوتها ی قومی است".

به طور کلی روش سلطه با هدف یکسان سازی ناظر بر تلاش دولتها برای استحاله ارزشها و ممیزات هویتی گروههای مختلف در جریان ارزشهای کلان (ملی) از طریف به کارگیری ابزارها و شیوه های مستقیم و بعضا غیر منعطف سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی است که به گونه ای ساختاری و بدون لحاظ ظرفتهای لازم، به صورت مسالمت آمیز و غیرمسالمت آمیز پیگیری می شود. هدف سیاستهای یکسان سازی عبارت است از ترکیب (جذب) زیست شناختی، فرهنگی، اجتماعی و روانی گروههای متمایز و منفرد ایجاد جامعه ای بدون تفاوتهای هویتی که هدف آن کاهش اختلافات فرهنگی و ساختاری بین گروههای مختلف و ایجاد جامعه ای متجانس و همگن است. (مارجر، ۱۳۷۷، ۱۸۱-۱۵۳)



۲- روش تقسیم قدرت با هدف جذب و ادغام اجتماعی

این روش دربرگیرنده فرایندهایی است که از طریق آنها تلاش می شود ضمن پذیرش حق تعیین سرنوشت محلی، وفاداری عمومی از طرقی نسبتاً مسالمت آمیز جایگیر شود. نظام برخوردار از روش تقسیم قدرت مجموعه ای اساساً سازگار از گرایشات، فرایندها و نهادهایی است که در آن هنر حکومت این است که بتواند علاوه بر پاسخگویی به خواسته ها و اعتراضات، در جستجوی منافع مشترکی باشد که برای همه گروههای هویتی سودمند بوده و کم و بیش منافع هزینه ها را به نحو برابر تقسیم نماید. در نظام تقسیم قدرت، مخصوصاً در اجتماعات متحد ساز، قواعد تخصصی دهنده منابع طوری طراحی شده اند که دستیابی مشترک به منابع کمیاب و با ارزش نظیر اشتغال، آموزش و استخدام به نسبت تعداد جمعیت هر یک از گروهها باشد و تبعیضی در این زمینه احساس نشود. (نظری و سازه مند، ۱۳۹۰، ۳۲۳)

۳- روش ادغام گرایانه با هدف کثرت گرایی ائتلاف ساز

طرفداران این روش با تاکید بر تکرر در برابر یگانگی، تاکید می نمایند که اهداف و چشم اندازهای سیاسی فعال بر مشارکت و فعالیت عناصر و گروههای مختلف اجتماعی استوار است. آنها با نقد گرایشات تام گرا و یکسان ساز معتقدند که راز تحقق انسجام و همبستگی اجتماعی، تمرین رفتارهای مبتنی بر مدارا، هم پذیری، احترام به قواعد بازی سیاسی و تکریم الگوهای رفتاری تضمین کننده بقای حیات جمعی است در این روش براساس اصل اولویت و تقدم همیشگی حقوق جمعی و گروهی بر مصالح و منافع فردی، انسجام و همبستگی ملی از طریق کثرت در پرتو اتحاد و تجمع منافع پیگیری می شود. در این وضعیت ضمن محوریت یابی اصولی نظیر تضمین مساوات، برابری فرصتها، مشارکت داوطلبانه و حق تبدیل اقلیت به اکثریت از طریق آراء عمومی دو سیاست در دستور کار قرار می گیرد:



الف) سیاست تفاوت (Politics of Difference) که براساس آن نظام سیاسی با تاکید بر تفاوت‌های بنیادین اکثریت با اقلیت، از آنها می‌خواهد این تفاوت‌ها را پذیرفته و خود را با آنها سازگار نمایند.

ب) سیاست شناسایی (Politics of Recognition) که براساس آن هویت اقلیت به رسمیت شناخته شده و برهمین اساس به مشارکت فراخوانده می‌شوند و درمقابل اقلیت نیز به التزام به چارچوب ملی و رفتار در درون آن را گردن می‌نهند. (افتخاری، ۱۳۸۳، ۲۷۹-۲۷۸)

الگوی وحدت در کثرت

از مجموع الگوهای سیاستگذاری قومی و تنوع توجه به تجربه تاریخی ناموفق مدل تکثر گرا و یکسان سازی که در طول تاریخ معاصر ایران در مورد اداره جامعه قومی به کار گرفته شده، به نظر می‌رسد مناسب ترین الگو یا مدلی که با واقعیات جاری ایران اعم از اجتماعی و سیاسی مطابقت دارد مدل وحدت در کثرت است که بر وحدت ملی و همگرایی قومی در عین حفظ فرهنگ و هویت‌های قومی استوار می‌باشد.

پرسش این است که آیا در عمل می‌توان وحدتی خلق کرد که عین کثرت در آن مشهود باشد؟ تا آنجا که به سیاست های قومی باز می‌گردد، این الگو ناظر بر وضعیتی پیچیده از تلفیق دو الگوی همانند سازی و تکثر گرا می‌باشد آنجا که وحدت را مبنا قرار می‌دهد به الگوی همانند ساز و ضوابط و مبانی آن متمایل می‌شود و آنجا که به کثرت نظر دارد به الگوی تکثر گرا و ویژگی های آن، در عین حال که هیچ کدام از این دو نمی‌باشد.



مفروضات الگوی وحدت در کثرت

۱. وجود عینی اجتماعی یا ملتی خالص از ویژگی های قومی امکان پذیر نمی باشد.
 ۲. تفاوت و تمایز جزء جدایی ناپذیر حیات فردی و اجتماعی نوع انسان می باشد.
 ۳. وحدت در سطح اجتماعی آن ، همواره امری نسبی می باشد.
 ۴. تعارضات درون و میان اجتماعات ضرورتا ناشی از تفاوت های درون و میان آنها نیست.
 ۵. علیرغم وجود تفاوت های بسیار ساختار و جهت کلی اجتماعات انسانی به سوی وحدت است.
 ۶. سیاست های انسجام و وحدت اجتماعی و ملی به جای توجه به یکسان سازی صفت و خصایل ذاتی و اکتسابی افراد ، گروه ها و ... بایستی به وحدت به معنای انسجام در کلیت و همسویی در جهت گیری معطوف گردد.
 ۷. تنوع ویژگی ذاتی جهان (Universe) به طور عام و موجود انسانی (Human being) به طور خاص می باشد. (صالحی امیری، ۱۳۸۵، ۴۸)
- به نظر می رسد با بکار گیری الگوی وحدت در کثرت مزایای ناشی از بکار گیری هر دو الگوی همانندسازی و تکثر گرایی در جهت افزایش میزان سرمایه اجتماعی در سطح ملی حاصل گردد. چرا که در سایه استفاده از این الگو هم بر میزان انسجام میان افراد یک قوم افزوده شده و از سویی این انسجام مانع از ایجاد ارتباط اقوام با یکدیگر نگردیده و نهایتا سرمایه اجتماعی در سطح ملی تضمین خواهد شد .



دلایل مطلوب الگوی وحدت در کثرت برای ایران

۱. سازگار بودن بنیادهای انسان شناختی و معرفت شناختی این الگو با مبادی و بنیادهای انسان شناختی و معتقدات مذهبی جامعه ایران
۲. سازگار بودن این مدل با مبانی تقنینی نظام. توضیح اینکه در ۱۳ اصل از قانون اساسی جمهوری اسلامی به طور مشخص اصول مستقیم یا غیر مستقیم به برخورد های حقوقی اقوام و اقلیتهای کشور اشاره شده است.
۳. سازگار بودن این مدل با ساختار قومی و اقلیمی کشور.
۴. هماهنگی بودن با تجربیات دیگر کشورها. امروزه در جهان کشورهایی که در عین برخورداری از تنوع فرهنگی و قومی، ملتی یکپارچه و برخوردار از وحدت سرزمینی، سیاسی و هویت ملی هستند فراوانند. تجربه مدیریت بر تنوع این کشورها، تا آنجا که به ویژگی های عام مدیریت تفاوت و تنوع در سطح ملی مربوط می شود. برای مدیریت تنوع قومی کشور می تواند مفید باشد. (صالحی امیری، ۱۳۸۵، ۴۹)

رویکردهای کلی سیاستهای عمومی تنوع ایران

محققان و پژوهشگران علوم سیاسی و اجتماعی با استناد به قوانین اساسی و موضوعه کشور، رویکردهای کلی سیاستهای قومی جمهوری اسلامی ایران را در آثار و مطالعات خود به سه دسته تقسیم کرده اند:

۱. رویکرد مدرن و امت مدارانه (الگوی آرمان گرایانه)

تدوین قانون اساسی، دستاورد انقلاب اسلامی است که در آن قانون گذاران منویات خود را به شکلی که اکنون در دست داریم مدون نموده اند. از آنجا که قانون اساسی کشور قاعدتا محصول اندیشه ورزان مدرنیته محسوب می شود به همین سبب نگرش ویژه آن عبارت است از رویکرد نابرابرانه به حقوق و آرزوهای اساسی شهروندی که به صورتی بنیادین از نگرشهای نابرابری خواه قومی، زبانی مذهبی

وملیت تبری می جوید. زیرا قانون اساسی دستاورد رویکرد فراگیر و جامع به مفهوم ملی و ملت محسوب می شود و امتیازات ویژه را نمی پذیرد از اینرو بدلیل وجود برخی از ویژگیهای تمایز آفرین، قانون اساسی جمهوری اسلامی به عنوان سند میثاق ملی و مبنای سایر قوانین و سیاستها رویکردی مدرن، امت نگر و دین باورانه به مسئله قومیت دارد.

۲. رویکرد واقع گرایانه

نظریه دوم، رویکرد و جهت گیری سیاستهای قومی جمهوری اسلامی ایران را تلفیقی از دو دیدگاه تکثر گرایی و یکپارچه سازی دانسته؛ زیرا نسبت و ترکیب این دو رویکرد را مبنای اتخاذ سیاستهای قومی می داند یعنی از یک سو؛ این تلقی وجود دارد که همه ملت ایران اعم از اقوام و خرده فرهنگ ها به عنوان شهروندان جمهوری اسلامی محسوب شده و صرف نظر از تفاوت های فرهنگی شان از حقوق شهروندی برابر و یکسانی برخوردارند از سوی دیگر، ملت ایران را به حسب خصوصیات فرهنگی تعریف نموده است. در جمهوری اسلامی ایران، زمینه ها، بسترها و ظرفیتهای مناسبی برای اتخاذ و سیاست یکپارچه سازی یا تکثر گرایی وجود دارد اما به رغم ظرفیتهای قانونی در اصول ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی بهبود رویکردهای نظام به سمت بهره گیری از توانمندی های بومی و منطقه ای، رویکرد بخشی هایی از نظام هم عرض تحولات عظیم جهانی ارتقاء یافته و در دایره محدود بخشی نگرشی گرفتار است.

۳. رویکرد وحدت در کثرت

سومین نظریه، رویکرد جمهوری اسلامی به مسئله قومیتها و سیاستهای قومی در ایران را رویکرد انسجام در عین حفظ تنوع قومی، که مبتنی بر برابری حقوق و شهروندان صرف نظر از زمینه های نژادی، مذهبی، زبانی و فرهنگی و قومی است، می داند. (صالحی امیری، ۱۳۸۸، ۴۲۲)



ظرفیتهای قانون اساسی ج.ا.ا. و تنوعات اجتماعی و همبستگی ملی (الف) مشارکت و دخالت در سرنوشت

قانون اساسی در سطوح مختلف هستی شناختی و اجتماعی - سیاسی به مساله دخالت در سرنوشت و مشارکت توجه کرده است از نظر قانون اساسی، حاکمیت از آن خداست ولی او انسان را حاکم بر سرنوشت خود قرار داده است و این امر یک حق و تکلیف برای او به حساب می آید لذا دخالت و مشارکت او در تمام سطوح ضروری است چنین نظریه ای مبنای جمهوریت در قانون اساسی را شکل می دهد به تبع این قاعده، در اصول متعدد براتکای امور و تصمیمات کشور به آرای عمومی تاکید شده است. ظرفیت مشارکت در قانون اساسی زمینه و مقدمه بسیار مهمی برای اتخاذ و همبستگی ملی است زیرا مشارکت اعضای جامعه براساس چارچوبهای قانونی مورد توافق، احساس مهم و موثر بودن را به یک درک و حس مشترک تبدیل می کند.

(ب) هویت مشترک

کشور ما از جمله کشورهایی است که از نظر قومیت، زبان و خرده فرهنگها دارای تنوع قابل توجهی است اما برخلاف بسیاری از کشورهای جدید که فرایند ملت - دولت سازی را در چند دهه اخیر طی کرده اند ایران در طول چند قرن، همنشینی مسالمت آمیز تنوع ها را تجربه کرده است به عبارت دیگر قبل از شکل گیری دولت - ملت به معنای مدرن آن، توافق تنوع های فرهنگی و اجتماعی، جامعه ایرانی را تشکیل داده بود.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این واقعیت توجه شده است لذا اولاً تنوع قومی، زبانی و مذهبی پذیرفته شده است و ثانياً نه تنها طرحی برای حذف یا کاهش آن پیش بینی نشده است بلکه اصول قانونی، در جهت حفظ، بقا و حتی توسعه هویتهای فرهنگی گوناگون تنظیم شده است.

لذا قانون اساسی در ارایه هویت مشترک ملت ایران تلاش نموده است به جمع عناصر هویتی در قالب هویت‌های متکثر در ضمن هویت مشترک اقدام نماید در کنار پذیرش خرده فرهنگها و هویتها، زبان رسمی، پرچم رسمی، تاریخ رسمی را بر نیز معرفی کرده است. (ره پیک، ۱۴۹-۱۴۸)

ج) حقوق اقلیت ها و اقوام و تکالیف مشترک شهروندی (Citizenship)

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل شهروندی و تساوی حقوق مورد پذیرش قرار گرفته است. حکومت قانون در قانون اساسی مورد تاکید است و عالی ترین مقام کشور نیز از هیچ مصونیتی در مقابل قوانین برخوردار نشده است. مطالعه قانون اساسی جمهوری اسلامی به مثابه میثاق و مهمترین سند سیاسی و حقوقی کشور نشان می دهد که هرچند در این قانون واژه "شهروند" به کار نرفته اما از بررسی واژه های مشابه می توان دقیقا حقوقی را برداشت کرد که به شهروندان جامعه تعلق می گیرد. از جمله حقوقی که به شهروندان ایرانی منهای هویت قومی و مذهبی شان تعلق می گیرد می توان بدین موارد اشاره کرد: حق مشارکت در امور سیاسی (اصل ۷)، برخورداری از حقوق مساوی (اصل ۱۹)، برابری همگان مقابل قانون (اصل ۲۰)، مصون از تعرض بودن جان و مال همگان (اصل ۲۲)، ممنوعیت تفتیش عقاید مردم (اصل ۲۳)، برخورداری همگان از امنیت فکری (اصل ۲۵)، حق ابراز عقیده به طرز عمومی (اصل ۲۴ و ۲۷)، آموزش و پرورش رایگان برای همه (اصل ۳۰)، برخورداری همگان از مسکن مناسب با نیاز (اصل ۳۱) و برخورداری عموم مردم از امنیت قضایی و حقوقی (اصل ۳۲). (حق پناه، ۱۳۹)

د) توزیع مشترک و عادلانه

یکی از بحرانها در حوزه سیاسی، بحران توزیع منابع می باشد موضوع اصلی این بحث منابع و توزیع اقتصادی است اما می توان آن را به سایر منابع نیز تسری داد.



توزیع ناعادلانه منابع می تواند به سایر بحرانها مانند مشارکت، مشروعیت و هویت منجر شود.

شکاف فقیر و غنی، حاشیه و مرکز یا توسعه یافته و توسعه نیافته مانع از شکل گیری همبستگی و اتحاد ملی خواهد بود. در مقابل، کاهش یا حذف نسبی این شکاف هم در سطح عینی، یکپارچگی و اتحاد را نمایان می سازد و هم از نظر روانی و ذهنی، احساس مشترک همبستگی را توسعه می دهد. سیاستهای عدم تمرکز می تواند علاوه بر وارد کردن گروههای مختلف در فرایندها و نهادهای قانونی به اتحاد ملی و کاهش تنش ها کمک کند. (ره پیک، ۱۵۱)

لذا در اصول مندرج در قانون اساسی و نیز محورهای سند چشم انداز بیست ساله کشور در سال ۱۴۰۴ توسعه یافتگی ایران را چنین تعریف نموده است:

- توسعه یافتگی جامعه ایرانی متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی و متکی به ارزشهای اسلامی و ملی با تاکید بر مردم سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسانها
- ایجاد جامعه ای امن، مستقل و مقتدر با ایجاد پیوستگی بین مردم و حکومت، فراهم کردن فرصت های برابر و به دور از تبعیض. (قاسمی و ابراهیم آبادی، ۱۳۹۰، ۱۳۶)

تحلیل گفتمان تنوع و مدارا در قانون اساسی ایران

قانون اساسی در هر کشوری به عنوان یک چهارچوب مدون می تواند مبنای قانونی و مشروعیت بخش تمامی تصمیمات، برنامه ریزیها، سیاستگذاری ها و خط مشی های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و علمی باشد. از اینرو می توان قانون اساسی هر کشور را نمادی از رویکردهای اجتماعی، سیاسی و قانونی حاکم بر آن کشور دانست. حقوق مربوط به اقلیتهای قومی و دینی، سیاستگذاریهای آموزشی و بین فرهنگی نیز متأثر از نوع نگاهی هستند که در قانون اساسی منعکس

شده است. اهمیت توجه به حقوق اقلیتهای دینی و قومی در قانون اساسی ایران به این دلیل است که ایران جامعه ای است متشکل از اقوامی مانند ترک، فارس، لر، کرد، بلوچ، عرب، گیلک و مازندرانی.

اصولی که به حقوق و اختیارات اقلیتهای قومی و دینی جامعه ایران و لزوم حفظ همبستگی ملی و آموزش و امور بین فرهنگی پرداخته اند عمدتاً شامل اصول ۲۴، ۱۹، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۳، ۲، ۶۴، ۳۰، ۲۶ و ۱۷۵ هستند. در یک نگاه کلی می توان گفت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دو گفتمان غالب وجود دارد: (۱) گفتمان عام گرایانه و دیگری خاص گرایانه. در گفتمان عام گرایانه، محور اصلی توجه معطوف به جوهری خداگرایانه، عدالت گرایانه و انسان گرایانه در تعامل با همه افراد جامعه است. در واقع متن اصلی توجه به سوی خدا، عدالت و انسان است. در گفتمان خاص گرایانه آنچه اهمیت دارد، ایجاد نمایندگی کردن یا به حساب آوردن دیگران است و دوم تسهیل زندگی اجتماعی برای اقلیتهای دینی است.

از آنجایی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می تواند پشتوانه ای در عرصه عمل باشد، می توان چنین قلمداد کرد که دو نوع سیاست بین فرهنگی در ظآن وجود دارد: اول، سیاست یکپارچه سازی در سطح ملی و دوم، سیاست چند فرهنگی که متوجه اقلیتهای دینی و در موارد قابل توجه اقلیت قومی را نیز شامل می شود. در واقع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر شهروندی دو وجهی (Dual Citizenship) است؛ یعنی شهروندی عام گرایانه و شهروندی خاص گرایانه است که در هر دو رویکرد، آرامش و سلامت اجتماعی را دنبال می کند در بحث اول نگاه قانون اساسی در پی ایجاد همبستگی ملی، وفاق و ایجاد یک کلیت واحد است. بطور مثال اصول ۲، ۳، ۳۰ به مسائلی مانند قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی (اصل ۲)، آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی (اصل ۳)، رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه های مادی



و معنوی (اصل ۳)، توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم (اصل ۳) می پردازد. بنابراین اصول ذکر شده، دولت جمهوری اسلامی ایران در پی آن است که در سطح اول نوعی یکپارچگی ملی و برابری ایجاد کند و حقوق همه جانبه مردم ایران را تامین نماید. در سطح دوم به اقلیتهای دینی اشاره می کند که می توانند در عین حفظ یکپارچگی ملی، در زیر چتر حمایتی جمهوری اسلامی ایران آزادانه عقاید دین و فرهنگی خود را داشته باشند، مشروط به اینکه در سطح اول (سطح ملی) ضربه ای به آن همبستگی ملی وارد نشود. بطور مثال اصل ۱۲ در اشاره به دین رسمی کشور، اسلام و مذهب اثنی عشری را دین و مذهب رسمی اعلام می کند (چند فرهنگی عام گرایانه) اما در سطح دوم دیگر مذاهب را نیز تکریم و قابل احترام تلقی می کند و اجرای مناسک و مراسم دینی و حتی در بحث آموزشی، مانعی بر سر راه آنها قائل نمی شود. اصل ۱۳ نیز دیگر اقلیت های دینی مانند زرتشتیان، کلیمیان، ارامنه و مسیحیان را در چارچوب قانون آزاد اعلام می کند. در واقع در این دو اصل قانون اساسی در پی آن است تا احترام به حقوق دیگران در عین داشتن عقاید مختلف در حوزه دین و باورها را توسعه دهد.

نگاه شهروندی دو وجهی قانون اساسی نیز در اصول ۱۵ و ۱۹ گنجانده شده است. اصل ۱۵ حقوق و حوزه اختیارات اقلیتهای قومی ایران را مشخص می کند. اگر چه زبان رسمی کشور فارسی اعلام شده (سیاست یکپارچه سازی) اما آنها می توانند مطبوعات یا رسانه هایی به زبانهای محلی و بومی خود داشته باشند و حتی می توانند در کتابخانه های ادبیات خود آموزش زبان محلی را نیز بگنجانند (نگاه چند فرهنگی). اصل ۱۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی تمامی ایرانیان را صرف نظر از رنگ پوست، نژاد و قومیت برابر میداند. از این رو می توان جمهوری اسلامی را به لحاظ قوانین شهروندی دارای رویکرد ملی و فراگیر دانست.



اصل ۲۶، دایره فعالیتهای انجمن ها و احزاب اسلامی یا اقلیتهای دینی را مشروط به اصول اسقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی قانون می داند. این اصل نشان دهنده هر دو سیاست جمهوری اسلامی ایران در برخورد با اقلیتهای دینی است چرا که از یک سو آنها را دعوت به وحدت و یکپارچگی می کند و از سویی دیگر چند فرهنگ گرایی را ارج می گذارد. اصل ۶۴ تعداد نمایندگان اقلیتهای دین را تعیین می کند بطوری که زرتشتیان و ارامنه هر کدام یک نماینده، مسیحیان آشوری و کلدانی نیز مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می کنند.

آنچه از قانون اساسی در مورد حقوق اقلیتهای قومی و دینی گفته شد می تواند پشتوانه عمل در زندگی اجتماعی باشد اگر چه بازنمایی اقلیتهای قومی در قانون اساسی به اندازه اقلیتهای دینی نیست ولی لزوماً به معنای بی توجهی به اقلیتهای قومی نیست، بلکه می تواند منعکس کننده عدم تمایز بین جامعه اکثریت و اقلیت های قومی تلقی شود. (عاملی و محمدخانی، ۱۳۸۷، ۵۵-۵۴)

دقت در اصول قانون اساسی حاکی از پیش بینی های منطقی و مبتنی بر انصاف و رعایت حقوق کامل شهروندان ایرانی فارغ از نژاد، رنگ، دین، مذهب و زبان و سایر تفاوت های اجتماعی است و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مثابه منشور حقوق شهروندی در ایران از ظرفیت های بسیار خوبی در مدیریت مبتنی بر تنوعات اجتماعی برخوردار است که حاکی از هوشمندی تدوین کنندگان قانون اساسی است و اگر بخواهیم یک جمع بندی در خصوص ظرفیت های قانون اساسی در خصوص مبانی نظری سیاست تنوعات اجتماعی در جمهوری اسلامی داشته باشیم به شرح زیر می توان ارائه کرد:

۱. تاکید بر قسط و عدل، نفی ستمگری، ستم کشی، سلطه گری، سلطه پذیری و تبعیض های ناروا توسط حاکمیت.



۲. تاکید بر تساوی عموم شهروندان در برابر قانون و تامین حقوق شهروندان و امنیت قضایی عادلانه.
۳. تاکید بر برادری اسلامی و تعاون عمومی در میان شهروندان
۴. به رسمیت شناختن مذاهب اسلامی و تاکید بر رعایت حقوق و آزادیهای قانونی پیروان آنها.
۵. به رسمیت شناختن مهمترین ادیان الهی و تاکید بر حقوق و آزادیهای قانونی آنان.
۶. به رسمیت شناختن زبان های قومی و محلی در کنار زبان فارسی (زبان رسمی کشور) و امکان تدریس ادبیات آنها در کنار زبان فارسی در مدارس.
۷. نفی امتیازات نژادی و قومی .
۸. نفی تفتیش عقاید و مصونیت شهروندان در داشتن عقاید مختلف به عنوان حق آزادی تفکر. (www.majlis.ir و ۲۴-۲۳)

جدول ظرفیتهای قانون اساسی در حوزه تنوعات اجتماعی

ردیف	عنوان حقوق و آزادیهای ناشی از تنوعات اجتماعی
۱	قسط و عدالت میان مردم و کلیه شهروندان و نفی تبعیض های ناروا
۲	تساوی شهروندان در برابر قانون و تامین امنیت قضایی عادلانه
۳	برادری اسلامی و تعاون عمومی در میان شهروندان
۴	به رسمیت شناختن حقوق و آزادیهای اقلیت های مذهبی قانونی
۵	به رسمیت شناختن حقوق و آزادیهای اقلیت های دینی قانونی
۶	به رسمیت شناختن فرهنگ های محلی و زبانهای محلی در کنار زبان رسمی کشور
۷	نفی امتیازات نژادی و قومی
۸	آزادی افراد در داشتن عقاید و نفی تفتیش عقاید
۹	عدم منع به کارگیری در مناصب و مسئولیتهای سیاسی و اجرایی

سیاست فرهنگی و تنوع ایران

دومین سند مهم در زمینه حقوق خرده فرهنگها «اصول سیاست فرهنگی کشور» مصوب سال ۱۳۷۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی است. اصل پنجم از اصول سیاست فرهنگی به تحکیم وحدت ملی و دینی با توجه به ویژگی های فرهنگی و مذهبی می پردازد و تصریح می کند:

«تحکیم وحدت ملی و دینی با توجه به ویژگیهای قومی و مذهبی و تلاش در جهت حذف موانع وحدت»

این شورا در سال ۱۳۷۶ اهداف و سیاستهای کلی و فرهنگی کشور را توسط هیئت منتخب شورای عالی انقلاب فرهنگی مورد بررسی قرارداد و در بند ۴ آن، اصل «تحکیم وحدت و همبستگی ملی در عین احترام به آداب و سنن محلی» را مطرح نمود و در ذیل آن به موضوع زیر توجه کرد.

«براساس متن اصلی این مصوبه، شکل گیری و انسجام هر جامعه در گرو وجود وحدت است و بدون وحدت دینی، ملی و قومی، تحقق و دستیابی به اهداف و آرمانهای یک جامعه تقریباً غیر ممکن است.»

بنابراین سیاستگذاری در یک جامعه چندفرهنگی باید به سمت حمایت از ارزشها و باورهای مشترک باشد؛ به گونه ای که اقوام گوناگون را به یکدیگر پیوند دهد و وحدت را درعین کثرت پدید آورد. همچنین با تقویت میهن دوستی و اولویت مقوله ای به نام ایران و ایرانیت در برابر هرگونه تمامیت خواهی، می توان در فراهم کردن بستر ترقی نهادینه جامعه و در پی آن بهبود رفاه عمومی و توزیع عادلانه ثروت همگانی و ارتقاء معیشتی مردم نقشی محوری داشت. (صالحی امیری، ۱۳۸۹، ۳۱۸-۳۱۷)



اهداف سیاست فرهنگی و تنوع ایران

اهداف و سیاست های کلی فرهنگی برنامه سوم (مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی) تحت عنوان «تحکیم وحدت و همبستگی ملی ضمن احترام به آداب و رسوم و فرهنگ ملی» به آن پرداخته شده و به موارد ذیل اشاره شده است.

۱. حفظ وحدت کلمه
۲. ترویج زبان و خط فارسی، هنرهای ملی، فرهنگ عامه به منظور حفظ و استمرار هویت اصیل ملی
۳. گسترش مراکز، فعالیت ها و توسعه جشنواره ها و مسابقات فرهنگی در مناطق و استان ها
۴. احترام به فرهنگ و سنن پسندیده و طوایف و جوامع روستایی بر مبنای ویژگی های بومی و فرهنگ خاص هر منطقه
۵. استفاده شایسته از نمادهای اسلامی - ایرانی در انواع تولیدات و برنامه های فرهنگی اقتصادی اجتماعی و سیاسی
۶. همگرایی بین طوایف و اقشار اجتماعی و مقابله فرهنگی با گرایش ها و حساسیتهای قومی و منطقه ای در قالب تشکل های گوناگون
۷. اهتمام به تحکیم اتحاد اسلامی به عنوان مهمترین رکن و ضامن وحدت ملی براساس تعالیم و سیره امام خمینی (ره)
۸. گسترش فرهنگ ایرانگردی و مهاجرپذیری با رفع موانع موجود و بسیج امکانات لازم برای توسعه آن، در همین چارچوب در بند ۸ نیز به حفظ مبانی و ارزشهای دینی و ملی در برنامه ریزی های توسعه کشور اشاراتی شده است. (حاجیان و دغاغله، ۱۳۹۰، ۴۱۳-۴۱۲)

در اصول کلی حاکم بر برنامه چهارم توسعه در مصوبه های مجمع تشخیص مصلحت نظام آمده است. در موارد قانونی برنامه چهارم توسعه نیز به فرازهای ذیل

می‌توان اشاره کرد:

الف) فصل ششم: آمایش سرزمین و توازن منطقه ای (مواد ۷۱ تا ۸۲) در این بندها به سند ملی آمایش سرزمین، توسعه فضائی کشور، الگوی اسکان، تقسیمات کشوری، نحوه و مرجع سرمایه گذاری های عمرانی، نحوه بهره گیری از امکانات و منابع محلی، توسعه مناطق مرزی با هدف تقویت همگرایی های ملی و پیوند مناطق مرزی با اقتصاد ملی و فراملی (ماده ۷۵)، بودجه استان ها و ... توجه شده است.

ب) ماده ۱۰۰: طرح بحث «منشور حقوق شهروندی» با تأکید قانون و آئین شهروندی ترویج مفاهیم وحدت آفرین و احترام آمیز نسبت به گروههای اجتماعی و اقوام مختلف در فرهنگ ملی، شکوفایی ایران و افتخار نسبت به ایرانی بودن و ...

ج) ماده ۱۰۶: تعمیق ارزش ها و باورها، فرهنگ معنویت و نیز حفظ ایرانی هویت اسلامی و ایرانی

د) ماده ۱۰۹: پیرامون اقداماتی برای شناساندن هویت تاریخی ایران و بهره گیری از عناصر و مولفه های ایرانی به ویژه زبان فارسی و با تأکید بر تقویت تکامل فرهنگ ها و زبان های بومی و با فرهنگ و میراث معنوی ملی و معرفی وجوه گوناگون فرهنگی بومی در سطح ملی با رویکرد تحکیم وحدت ملی به ویژه در نظام آموزشی کشور، رسانه ها و تولید محصولات فرهنگی و هنری و ...

ه) ماده ۱۱۳: توسعه مفاهیم و نمادهای هویت اسلامی و ایران در ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، علمی و نیز تعامل میان ایران فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و زبانی با رویکرد توسعه پایدار

و) ماده ۱۱۴: حفظ آثار و فرهنگ سنتی، قومی، ایلی و ملی و ایجاد جاذبه برای توسعه صنعت گردشگری در کشور

براین اساس، «سیاست های کلی نظام» مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام عبارتند از:



- ۱- تکریم نمادهای وحدت ملی «پرچم، سرود ملی و تاریخ رسمی (هجری)»
 - ۲- برجسته سازی و پیوند های تاریخی
 - ۳- جهانی شدن و جهات مثبت و منفی آن
 - ۴- صیانت و گسترش زبان و خط فارسی
 - ۵- تقویت تعاملات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بین مناطق کشور
 - ۶- برنامه ریزی استانداردهای آموزشی برای تمام نقاط کشور
 - ۷- گفتگوی بین ادیان آسمانی و مذاهب مذکور در قانون اساسی
 - ۸- صیانت از مؤلفه های فرهنگی اقوام که مقوم فرهنگ اسلامی و ملی است و رعایت شئون آنان در رسانه های جمعی
 - ۹- تاکید بر اصل وحدت و همبستگی ملی در طرح های آمایش سرزمین، برنامه ها و تقسیمات کشوری
 - ۱۰- پیوستگی و تقویت ارتباطات اقتصادی مناطق مرزی با اقتصاد ملی و ایجاد توازن منطقه ای. (حاجیانی و دغاغله، ۱۳۹۰، ۴۱۵-۴۱۲)
- بنابراین سیاستهای فرهنگی جمهوری اسلامی در راستای حفظ انسجام و وحدت ملی با حفظ حقوق شهروندی و تنوع فرهنگی همه افراد جامعه می باشد.

سیاست زبانی و تنوع ایران

سیاست زبانی در ایران

سیاست زبانی موجود در ایران را می توان در مهم ترین اسناد دولتی بررسی کرد که عبارتند از: الف) قانون اساسی ب) اساسنامه فرهنگستان

الف) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اولین سند "قانون اساسی جمهوری اسلامی" ایران است که در اصل های ۱۵، ۱۶ و ۱۹ مسئله زبان ملی، زبان های بومی و زبان عربی را مطرح می کند. در قانون اساسی، زبان و خط فارسی تنها زبان و خط ملی معرفی شده است و کلیه اسناد و

مکاتبات و متون رسمی و کتب الزاماً به این زبان و خط می باشد. البته برای زبان های محلی نیز در مدارس حقی قائل شده و استفاده از این زبان ها در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در کنار زبان فارسی در مدارس آزاد است. اصل ۱۶ سیاست دولت را درباره زبان عربی به عنوان زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی نشان داده است. لزوم تدریس زبان عربی در دوره های ابتدایی تا پایان دوره دبیرستان از جمله سیاست های مکتوب در مورد این زبان است.

(ب) اساسنامه فرهنگستان ها

فرهنگستان زبان و ادب فارسی از جمله مهم ترین نهادهای برنامه ریز زبانی در کشور است که سیاست های زبانی دولت را، به ویژه در خصوص حفظ و اعتلای زبان فارسی، به عهده دارد. (احمدی پور، ۱۳۹۰، ۶)

سیاست قضایی و حقوقی تنوع در ایران

از اقداماتی که در این راستا انجام پذیرفته است:

- به موجب بند ۱ ماده قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، این وزارتخانه موظف به گسترش مناسبات فرهنگی با ملل و اقوام مختلف شده است.
- به موجب بند ۴ ماده ۶ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ ایجاد اختلاف بین اقشار مختلف جامعه به ویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قومی جرم محسوب و برای آن مجازات تعیین شده است.
- براساس بند (۵) ماده ۱۰۰ قانون برنامه چهارم توسعه، دولت به منظور ارتقای حقوق انسانی، استقرار زمینه های رشد و تعالی و احساس امنیت فرد و اجتماعی در جامعه و ایجاد رضایت مندی و سازگاری اجتماعی ملزم به ترویج مفاهیم وحدت آفرین و احترام آمیز نسبت به گروه های اجتماعی و اقوام مختلف در فرهنگ ملی است.



• ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی، مجازات اهانت به اقوام و طوایف ایرانی را بدین شرح دانسته است: «هرکس از طریق نشریات اعم از کتاب، روزنامه، مجله و اعلامیه یا رسانه های صوتی، تصویری و سایتهای اینترنتی یا نطق در مجامع یا پیام های مخابراتی در سطح گسترده و نظایر اینها به نحوی از انحاء مرتکب اهانت یا استهزاء یا هجو نژاد یا تاریخ یا فرهنگ یا زبان یا عقاید اقوام یا طوایف گردد، به حبس از ۶ ماه تا دو سال محکوم می گردد». (صالحی امیری، ۱۳۸۹، ۳۳۴)

• بنابراین مجموعه سیاست های عمومی اعم از فرهنگی، زبانی، قضایی حاکی از اهتمام سیاست گذاران ایران به حفظ وحدت و انسجام ملی در عین احترام به حقوق تنوع فرهنگی و قومی می باشد. که مهمترین آن، اصول حاکم بر برنامه های توسعه دولتهاست که با رویکرد توسعه اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی همه آحاد مردم و مناطق ایران اتخاذ شده است. در این میان مدیریت تنوع نقش مهمی ایفا مینماید.

سیاستگذاری عمومی و مدیریت تنوع در ایران

وظیفه مدیریت تنوع، فراهم ساختن شرایط همزیستی بین گروهی است که بیش از آنکه اجباری باشد، باید مورد توافق عموم قرار گرفته باشد. سامان دهی موفق مناقشه در یک جامعه چند قومیتی هنگامی حاصل می شود که الگوی غالب حل اختلاف، مشاجرات بین گروهی بر پایه چانه زنی و عمل واحدی از سیاست گذاری های هویتی بود، بلکه در عمل آمیزه ای از سیاستگذاری های متفاوت بسته به شرایط زمانی و مکانی به اجرا گذاشته می شود. در واقع همچنان که قبلاً اشاره شد، سیاستگذاری هویتی در هر نظام سیاسی تابعی از ماهیت نظام سیاسی، پایگاه اجتماعی نظام سیاسی در میان مردم، الگوها و آرمان های سیاسی-ایدئولوژیک، قوانین مدون و به ویژه قانون اساسی و غیر مدون و نهایتاً سیاست های عینی-عملی به اجرا گذاشته شده است. از این رو ضمن اذعان به مزایای نسبی ناشی از سیاست

ادغام و کثرت گرایی ائتلاف ساز، نمی توان استدلال نمود که مدل بومی سیاستگذاری هویتی طابق النعل به النعل قابل وام گیری آنی است. درواقع، شایسته است سیاست گذاری های قومی و هویتی تلفیقی از الگوها و تجارب گوناگون را در خود داشته باشد تا بتواند نگاهی همه جانبه به ابعاد و زوایای مدیریت تنوعات هویتی داشته باشد.

ایران از جمله کشورهایی است که به واسطه تنوعات سنتی و تاریخی همزیستی اقوام و فرهنگ های گوناگون به رغم فرازو نشیب های گوناگون یکپارچگی و انسجام ملی خود را همچنان حفظ نموده است. (نظری و سازه مند، ۱۳۹۰، ۳۳۷)

سیاستهای مدیریتی تنوعات اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران به سمت سیاست های بسط محور در حال تحول بوده و به سوی سیاست «تکثر گرایی وحدت طلبی دینی» حرکت می کند. مردم سالاری دینی به عنوان جوهره اصلی جمهوری اسلامی ایران گام های پایه ای و اولیه را برای ایجاد تحکیم هویت ملی به مثابه محور همبستگی ملی ایرانیان برداشته است و مهم ترین اقدامات در این رابطه شناساندن و ایجاد شناخت ژرف و عمیق از ایرانی بودن است که باید بیش از پیش درونی شود.

بنابراین پاسداری از هویت ملی نیازمند نهادینه سازی احساس غرور ملی در میان اقوام و گروه های دینی و مذهبی گوناگون است و این هدف ارزشمند زمانی تحقق پیدا می کند که با پرهیز از تبعیضات قومی و نژادی و فرهنگی خاص گرایانه و منفی برای ترویج و اشاعه فرهنگ مدارا، دگر دوستی، ایثار و فداکاری که مبتنی بر ارزش های اسلامی و همچنین وفادار ماندن عملی به هنجارها و هویت تاریخی و میراث مشترک فرهنگی برنامه ریزی به عمل آید، و حقوق گروه های مختلف اجتماعی در ابعاد حقوق فرهنگی، حقوق اجتماعی، حقوق سیاسی و شهروندی و حقوق اقتصادی آنها در بستری از سیاست گذاری مبتنی بر عدالت و انصاف که از شاخص های عینی عقلانیت هستند مورد تاکید قرار گیرد. (www.majlis.ir23-24)



پیشنهادهای سیاست‌گذاری عمومی تنوع ایران

پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاری عمومی موفق ایران ارایه می‌گردد:

۱. سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای تصمیمات در مناطق مختلف کشور مستلزم مطالعه عمیق ساختارهای این مناطق و نیز مطالعه مستمر و ارزیابی بازخوردها و نتایج اقدامات انجام شده و به کارگیری موثر آنها در چرخه برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های آتی است. در این زمینه آنچه مهم است فهم زمینه‌های عملیاتی تصمیمات اتخاذ شده است تا با فراهم نمودن درک درستی از محیط عملیاتی، واکنش‌های احتمالی را پیش‌بینی و مدیریت نمود. اولویت‌گذاری اهداف و نیازها می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد.

۲. ایجاد اجماع هنجاری: تلاش برای ایجاد اشتراک در عقاید، آراء و دیدگاه‌های عمومی جامعه و پذیرش عملی شرایط موجود، تاکید بر ارزشهای عام و مشترک، ایجاد رابطه طولی و عرضی میان خرده فرهنگ‌های محلی با فرهنگ ملی و انعطاف‌پذیری نسبی دولت ملی می‌تواند موجب ایجاد اجماع هنجاری در جامعه شود.

۳. توسعه آگاهی جمعی و آموزش‌های عمومی: در این زمینه آموزش و پرورش نقش بسیار مهمی در جهت انتقال و جایگیر نمودن فضیلت‌های زندگی جمعی ایفا می‌نماید.

۴. تلاش برای اتخاذسیاستهای نرم جهت تحقق اتحاد ملی: تحقق این امر از طرقی نظیر آشنا نمودن نسل جدیدی با سنن و مبانی هویتی-فرهنگی اقوام مختلف ایرانی، برگزاری سفرهای متناوب و دوره‌ای در ایام فراغت دانش‌آموزان به مناطق مختلف کشور

۵. توسعه متوازن مناطق و استان‌های کشور و زدودن تصور انطباق مرزهای محرومیت با مرزهای قومی و تلاش برای از بین رفتن محرومیت نسبی. آن‌چه در

این میان حائز اهمیت است « احساس » محرومیت نسبی و القای آن از طرف نیروهای واگرا است که می تواند به نحو جدی بر رفتارها و کنش های پرخاشگرایانه تأثیر نهد ؛ هر چند ممکن است در عمل چنین سطحی از محرومیت اساساً وجود نداشته باشد.

۶. تلاش برای رفع احساس بیگانگی و تمایز گروههای مختلف با دیگر گروههای هویتی و هویت ملی : این امر از طریق تقویت ظرفیت مبادلات و ارتباطات داخلی ، افزایش ارتباطات فرهنگی نظیر سفرهای برنامه ریزی شده ، برگزاری مراسم های مشترک ملی با حضور گروههای مختلف ، بهره گیری از آهنگ ها و آواهای محلی ، ...

۷. « قانون اساسی به عنوان برترین و والاترین بایسته حقوقی یک کشور ، با ترتیب بندی منظم فصول و اصول گوناگون در درون خود التزام بنیادین می آفریند که دولت و ملت به گونه ای برابر و وفادارانه به آن مقید گردند. (قمری، ۱۳۸۴، ۱۰۶)



نتیجه گیری

الگوی بومی مدیریت تنوع و قومی در ایران، باید با بهره گیری از تجارب مثبت و سازنده کشورها و جوامع مشابه و با توجه به تفاوت های مبادی معرفتی نظام جمهوری اسلامی با سایر نظام های سیاسی از یک سو و شناخت واقعیت های هویتی، فرهنگی و قومی ایران از سوی دیگر، طراحی گردد؛ تا ضمن پذیرش تنوعات هویتی موجود، توأمان به تقویت و استحکام همبستگی ملی نیز بینجامد. در این زمینه باید بر اساس عینیت های موجود در جامعه ایران، از یک سو تنوع هویتی را پذیرفت؛ و از سوی دیگر با محوریت بخشیدن به الگوی اجماع ساز ارزشهای ایرانی - اسلامی زمینه های ساختاری و محتوایی لازم رار برای حفظ همبستگی سرزمینی و تمامیت جغرافیایی کشور، زبان ملی، نمادها، سمبل ها و اساطیر ملی و هر آن چیزی که به تقویت همگرایی جمعی می انجامد را فراهم آورد. چنان که تجربه سه دهه گذشته سیاستگذاری هویتی در درون انقلاب اسلامی نشان می دهد، هر گاه از الگوی اجماع ساز ارزش های ایرانی - اسلامی در تنوعات هویتی بهره گرفته شده است و کمتر بر نقاط اختلافی تاکید شده است، شاهد کمترین تعارض ها و تنش های بومی هویتی بوده ایم.



فهرست منابع

- ۱- احمدی پور، طاهره. (۱۳۹۰). «به سوی چاچوب سیاست زبانی ملی». زبان شناخت. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال دوم. شماره اول. ص ۶.
- ۲- افتخاری، اصغر. (۱۳۸۳). اقلیت گرایی دینی. تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- ۳- حاجیانی، ابراهیم و دغاغله، عقیل. (۱۳۹۰). «روندهای هویت یابی در جهان معاصر و اثرات آن بر سیاست های هویتی نظام جمهوری اسلامی ایران». نهادهای اجتماعی و همبستگی ملی. به اهتمام مجتبی مقصودی. تهران: تمدن ایرانی. صص ۴۱۲-۴۱۳.
- ۴- حق پناه، جعفر. جامعه مدنی و قومیت ها در جمهوری اسلامی ایران.
- ۵- ره پیک، سیامک. ظرفیت های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اتحاد و همبستگی ملی.
- ۶- صالحی امیری، سید رضا. (۱۳۸۵). «مدیریت تنوع قومی مبتنی بر نظریه های سرمایه اجتماعی». فصلنامه راهبرد. ش ۴۰. ص: ۴۸.
- ۷- صالحی امیری، سیدرضا. (۱۳۸۹). انسجام ملی و تنوع فرهنگی. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک. صص: ۳۱۸-۳۱۷.
- ۸- عاملی، سعیدرضا و محمدخانی، نجمه. (۱۳۸۷). «ارتباطات بین فرهنگی و گفتمان حقوقی، آموزشی و رسانه ای ایرانی». فصلنامه تحقیقات فرهنگی. سال اول. شماره ۴. صص: ۵۵-۵۴.
- ۹- قاسمی، علی اصغر و ابراهیم آبادی، غلامرضا. (۱۳۹۰). «نسبت هویت ملی و وحدت ملی در ایران». فصلنامه راهبرد. سال بیستم. شماره ۵۹. ص ۱۳۶.
- ۱۰- قمری، داریوش. (۱۳۸۴). همبستگی ملی در ایران. تهران: تمدن ایرانی. ص: ۱۰۶.
- ۱۱- مارجر، مارین. (۱۳۷۷). «سیاست قومی». ترجمه اصغر افتخاری. فصلنامه مطالعات راهبردی. پیش شماره اول. صص: ۱۵۳-۱۸۱.
- ۱۲- نظری، علی اشرف و سازه مند، بهاره. (۱۳۹۰). «مدل ها، الگوها و راهکارهای مدیریت تنوعات هویتی». نهادهای اجتماعی و همبستگی ملی. به اهتمام مجتبی مقصودی. تهران: تمدن ایرانی. ص: ۳۲۰.
- ۱۳- درآمدی بر مدیریت سیاسی اقوام و اقلیتها در جمهوری اسلامی ایران. صص: ۲۴-۲۳.

www.majlis.ir

14. Brikland, T., (2005). AN introduction to policy process, New York: University Press, p:35.

15. Esman, Milton J. (2004)., An Introdoction to Ethnic, Cambridge: Polity Press, p:172.



